قرینه داخلیه روایات عدد و مسأله تطبیق حرکات سه گانه زمین، ماه و خورشید

خُب اگر به این صورت است، ذهن ما سراغ همان مطلب ثبوتی میرود که مکرر عرض کردم؛ ما به سه حرکت مواجه هستیم. این سه حرکت برای خودشان نفسیتی دارند، و همچنین انطباقی که دارند. یک حرکت، حرکت زمین است که در یک شبانه‌روز به دور خودش میگردد. یک حرکت، حرکت ماه است که در بیست و نه روز و نیم به دور زمین میگردد. یک حرکت هم حرکت زمین و ماه دور آن است که در سیصد و شصت و پنج روز به دور خورشید میگردند. این سه حرکت است که راسم سنه، راسم ماه و راسم شبانه‌روز است. اینها بالذات راسم هستند. آن حرکتی که راسم شهر و ماه است، بالذات در دل خودش شب و روز نیست. شب و روز را حرکت زمین پدید میآورد، از حیث زمانی در آن حرکت بیست و نه روز و نیم ماه، منطبق میکنیم. اگر این حرکات را به یک قطعه زمانی باز کنیم، سه قطعه زمانی به‌صورت پاره خطی که امتداد دارند روی هم تطبیق میشوند که هیچکدام با واحدهای صحیح شمرده نمیشوند.

حال که به این صورت است، به این روایات بیاییم. امام علیه‌السلام کل عالم خلقت را از اول تا به آخر نگاه میکنند و میگویند ماه مبارک هرگز کمبود نداشته است. خُب در روایت حذیفه که صحبت از نقصان هم میشود؟ بله، صحبت از نقصان میشود. یعنی یک ماه تام است و یک ماه ناقص است. الآن این یک نحو فعلاً دستوپاگیری است، در فضای این بخش از روایت. درست است که روایت دید ما را به کل عالم خلقت و میقاتی میبرد که مربوط به اول و آخر عالم خلقت است، اما اینکه در روایت میآید که یک ماه ناقص است، این یک ماه ناقص بودنش توضیح بیشتری میخواهد. چطور است که ماه مبارک از روز اول تام است و شعبان ناقص است؟! این چه طور میشود؟! فعلاً این سؤال در این روایت هست.

در همین باب، روایاتی که این نقصان را دارد، در صفحه دویست و هفتاد و چهار، و هفتاد و پنج حدائق است؛ «و ما رواه في التهذيب... و ما رواه في الكافي». دو سند است. دو روایت است که بر یک نکته‌های عجیب مشتمل هستند. نکته‌های عجیب و مبهم. علماء سر آن بحث کرده‌اند و در آخر کار فرموده‌اند «نرد علمه الی اهله». حال من متن این دو را میخوانم. این هم یکی قرینه داخلیه در روایت است که کار را مبهم میکند. اما مبهم کردن من جمیع الجهات که کل مقصود را بفهمیم، غیر از این است که یک چیزی قرینه داخلیه در روایت باشد که خالصه، ذهن ما را به‌صورت محدق که در اینجا شاید یک چیزی هست، نگه میدارد.

به نظرم همه شما شنیده باشید. اگر روایات مبهم را در کتب روایی ردیف کنیم، شاید یکی از مبهم ترین روایات همین روایات اختزال شش روز از ایام سنه است.

> **و ما رواه في التهذيب و الفقيه عن محمد بن يعقوب بن شعيب عن أبيه عن ابى عبد الله (عليه السلام) قال: «قلت له ان الناس يروون ان رسول الله (صلى اللّه عليه و آله) ما صام من شهر رمضان تسعة و عشرين يوما أكثر من ما صام ثلاثين؟ فقال: كذبوا ما صام رسول الله (صلى اللّه عليه و آله) إلا تاما و لا تكون الفرائض ناقصة، ان الله تعالى خلق السنة ثلاثمائة و ستين يوما و خلق السماوات و الأرض في ستة أيام فحجزها من ثلاثمائة و ستين يوما فالسنة ثلاثمائة و أربعة و خمسون يوما، و شهر رمضان ثلاثون يوما. و ساق الحديث الى آخره».[1]**

«قال: قلت له ان الناس يروون ان رسول الله (صلى اللّه عليه و آله) ما صام من شهر رمضان تسعة و عشرين يوما أكثر من ما صام ثلاثين؟»؛ آن چه کہ بیست و نہ روز گرفته‌اند، بیشتر بوده از آن چه کہ تمام گرفته‌اند. یعنی نوع روزه هایی کہ حضرت گرفته‌اند بیست و نہ روز بوده است. این را مردم می‌گویند.

«فقال: كذبوا ما صام رسول الله (صلى اللّه عليه و آله) إلا تاما و لا تكون الفرائض ناقصة»؛ چون فریضه است باید تام باشد. حال قرینه داخلیه ای کہ ابهام دارد... .

شاگرد: چون فریضه است تام است؟ یا چون همیشه سی روز است؟

استاد: چون فریضه است و فرائض نمی‌تواند ناقص باشد، پس شهر مبارک هم همیشه تام است. خُب جلسه قبل عرض کردم مرحوم فیض حسابی فرمودند کہ این چه استدلالی است؟! اشکالات محتوایی مفصل بود. در جلسه قبل اشاره کردم. فرمایشات فیض را مرور کردیم کہ ایراد به همین ها بود. لذا دوباره وارد نشدم. می‌خواهم غیر از آن‌هایی کہ فرموده‌اند، اول ببینیم مدلول تصوری کلام چیست و بعد هم محتوای آن و قرینیتش را ببینیم و ببینیم سر می‌رسد یا نه.

«ان الله تعالى خلق السنة»؛ خدای متعال سال را خلق کرد. شمسی یا قمری؟ از قرینه بعدی معلوم می‌شود کہ منظور سال قمری است. ولی شواهدی داریم کہ برای شمسی هم سیصد و شصت است. **«ان الله تعالى خلق السنة ثلاثمائة و ستين يوما»؛** سیصد و شصت روز. عدد تام روشنی است. خُب چرا سیصد و شصت روز؟ محاسبه آنکه مشکلی ندارد؛ سال دوازده ماه است؛ «إن عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»[2] و علی القاعده هر ماهی هم باید سی روز باشد، لذا دوازده تا سی روز، سیصد و شصت روز می‌شود. یک عدد روشن تامی است. مشکلی هم ندارد.

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة نویسنده : البحراني، الشيخ يوسف جلد : ۱۳ صفحه : ۲۷۵

[2] التوبه ۳۶

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 10:54:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 10:56:55 توسط ... .